

# پر خورد

## آرا و اندیشه‌ها

### ✓ دموکراسی خواهی بدون خشونت

سنرلشکر ناصر فربید (بازنستسته) -

برای دستیابی به دموکراسی بدون خشونت، که امروز مورد خواست عمومی است، جامعه‌ی ایران از نظر چشم‌انداز سیاسی، عملکرد مبارزاتی و تشکیلاتی اجتماعی در شرایطی نیست که یک فرد یا گروه بتواند به تنهایی ابتکار این تحول سیاسی را به دست گرفته و به انجام برساند، بلکه باید کلیه‌ی نیروهای سیاسی و اجتماعی از چپ دموکرات تا راست دموکرات را در درون خود متشکل سازد، آن‌گاه مدیریت جامعه را برای نهادینه کردن دموکراسی به عهده بگیرد.

بدیهی است که هیچ انسان آگاه و هیچ کوشنده‌ی سیاسی برای تعیین سرنوشت یک ملت در لزوم مراجعه به آراء عمومی، تردیدی به خود راه نمی‌دهد، اما تجربه‌ی تاریخی گذشته نشان می‌دهد که تاکنون همواره قدرت‌طلبان سیاسی غالباً با حمایت خارجی، زمینه‌های تحول تاریخی را مبنای کسب قدرت شخصی و گروهی خود قرار داده‌اند.

این دغدغه ناگزیر ما را ملزم می‌سازد که در شرایط کنونی این سؤال‌ها را مطرح کنیم:

- ۱- هدف روشن از فراخوانی همه‌پرسی در وضع موجود چیست؟
- ۲- پیش‌شرط‌های تحقق چنین طرحی در جامعه‌ی ایران کنونی چه می‌تواند باشد؟
- ۳- کدام نیروهای سیاسی و شخصیت‌های اجتماعی می‌خواهند و توان آن را دارند که این عمل سیاسی را به موقع اجرا گذارند؟
- ۴- معیارهای اجرایی و ارزش‌های فرهنگی - سیاسی چنین اقدامی کدامند؟

در این صورت، عناصری که پاسخ روشن به نوع استفسارهای بالا را ندارند، در مورد امر مهمی که به کلیه‌ی مردم ایران مربوط می‌باشد بدون راهبردی فراگیر و توجه ویژه به فضای فرهنگی - سیاسی جاری چه‌گونه ممکن است با معیارهای حقوق بشر دموکراسی خواهی را با اعلام واژه‌ی همه‌پرسی احیا کنند؟

مردم مارگزیده‌ی ایران، برخلاف گذشته می‌خواهند به وضوح ابزارهای جابجایی و مکانیزم قدرت سیاسی را بشناسند تا دیگر شرایطی به وجود نیاید که خود را فریب‌خورده احساس کنند. گروه دیگری با زد و بندهای سیاسی و ایجاد تنش‌های کور و قلع و قمع بی‌پایان جایگاه خود را در موضع سیاسی کشور مستقر سازد.

با این مقدمه، به همه‌ی دوستان، همه‌ی آزادی‌خواهان، همه‌ی دگراندیشان و همه‌ی آگاهان باید توصیه شود که اجازه ندهند راهبرد اساسی تحول تاریخی‌مان در جنبش دموکراسی خواهی بدون خشونت، با طرح زود هنگام و بدون تحلیل منطقی دوباره سرنوشت شوم آزمایش شده، جناحی و خودمجبوری را برپایمان فراهم آورد و مجدداً روند سیاسی کشورمان اسیر تصمیمات کانون‌های قدرت‌طلب و بیگانه گردد.

تحولات دموکراتیک در جامعه‌ی ایران، نیاز به انسان‌های دموکرات و ابزار مناسب و دموکراتیک دارد. به ضرورت باید بدو شرایطی به وجود آید که مردمان در سراسر کشور آزادانه درباره‌ی شکل و محتوای نظام سیاسی مطلوب خود تصمیم‌گیری آگاهانه نمایند. سپس کوشندگان اجتماعی و آزاداندیشان سیاسی با تبادل نظر روشن و مناسبات دموکراتیک را ابتدا در میان خود و سپس در جامعه پایدار سازند. در این امر نباید به خاطر مشکلات و موانع از روند کار کناره‌گیری شود، بلکه باید با شیوه‌ی مدیرانه، سازمان‌های سامان یافته و انسجام مردمی راه برون‌رفت از مشکلات را فراهم ساخت. اصولاً اگر تحولات تاریخی و بحران‌های قرن اخیرمان را بررسی کنیم، مشاهده می‌گردد که ایرانی، هر بار با اینار جان و مال علیه بیاد و استبداد و فساد برخاسته و عوامل آن را برکنار ساخته است. اما طولی نکشیده که بیاد و فساد دیگری جای آن را پر کرده است.

بدین سان هر نیرویی (جز ملی) تاکنون نتوانسته است به سادگی ارزش‌های تمدن و فرهنگ ایرانی را انکار کند، به هر کس وصله بچسباند و چشم و گوش‌ها را چنان کور و کر کند که بیش‌تر نبیند

و بهتر نشنود و فکر نکند تا قائم‌مقام، امیرکبیر و مصلح دیگری ظهور نمایند، بهتر است از حلقه‌های زنجیر نایاب تاریخ معاصرمان عبرت بگیریم تا دیگر با گوشمان راه نرویم. و از هر الگوی کلیشه‌ی پشتیبانی نکنیم.

مگر کشتن قائم‌مقام، عزل، تبعید و قتل امیرکبیر، آلوده‌سازی نهضت مشروطیت، توطئه‌ی کودتای ۲۸ مرداد و به انحراف کشیده شدن انقلاب مه‌م ۵۷ همه حلقه‌هایی در هم یک زنجیر نیستند؟ باید از نویسندگان ماهنامه **ورسانه** و دیگر پژوهشگران و تاریخ‌دانان ملی تشکر کنیم که تجربه‌های شوم آن چنانی را به این نسل و نسل‌های دیگر منتکس می‌نمایند و نمی‌گذارند که این ناهنجاری‌ها در روزگار بعدی تکرار شود. بویژه که در حال حاضر اجتماع ایران هزاران دانشجو در داخل و خارج کشور دارد که در بیش‌تر رشته‌های تحصیلی و تخصصی، مدارک و تجربیات مورد قبول جامعه را دارا می‌باشند.

نویسندگان معاصر کشورمان باید به آنان گوشزد نمایند که دانش‌پژوهان قرن بیست و یکم ایران در مقابله با تعارضات این سرزمین، هوشیارانه و آگاهانه عمل می‌کنند.